سه اشکال مهم صاحب حدائق بر تعدد قرائات و تأثیر آن بر کتب بعدی

علی ای حال کتابی بود که در دستها بود. این کتاب نقش بسیار مهمی در این فضای که هستیم داشت. من این صفحات حدائق را شماره گذاری کردهام؛ پانزده جای عبارت ایشان را باید توقف کنیم و بحث کنیم که استدلالات شما سر میرسد ای نه. ولی آن چه که خیلی اهمیت دارد، سه تا از آنها است. سه تا از آنها بسیار مهم است. یعنی بقیه آنها بحث است، ولی این سه تا در ذهن بزرگان بعدی آثار علمی بسیار قوای داشته است. یعنی قدرت این را داشته که سرنوشت ذهن یک فقیه بزرگی را عوض کند. آنها چه کسانی بودند؟ صاحب جواهر، شیخ اعظم انصاری شیخ مرتضی. اینها بزرگانی بودند که شوخی نبوده. لذا این سه مورد در فضای بعدی اثر گذاشته است. این سه مورد چیست؟

- سه اشکال مهم صاحب حدائق بر تعدد قرائات و تأثیر آن بر کتب بعدی
- الف) روایات حرف واحد
- ب) انکار تواتر قرائات توسط شیخ طوسی در تبیان
- ج) اذعان متخصصین فن قرائت به وجود شاذ در قرائات سبع

سه اشکال مهم صاحب حدائق بر تعدد قرائات و تأثیر آن بر کتب بعدی

علی ای حال کتابی بود که در دستها بود. این کتاب نقش بسیار مهمی در این فضایی که هستیم داشت. من این صفحات حدائق را شماره گذاری کردهام؛ پانزده جای عبارت ایشان را باید توقف کنیم و بحث کنیم که استدلالات شما سر میرسد ای نه. ولی آن چه که خیلی اهمیت دارد، سه تا از آنها است. سه تا از آنها بسیار مهم است. یعنی بقیه آنها بحث است، ولی این سه تا در ذهن بزرگان بعدی آثار علمی بسیار قویای داشته است. یعنی قدرت این را داشته که سرنوشت ذهن یک فقیه بزرگی را عوض کند. آنها چه کسانی بودند؟ صاحب جواهر، شیخ اعظم انصاری شیخ مرتضی. اینها بزرگانی بودند که شوخی نبوده. لذا این سه مورد در فضای بعدی اثر گذاشته است. این سه مورد چیست؟

---

[1]البیان فی تفسیر القرآن ص۱۵۶

الف) روایات حرف واحد

یکی از آنها این است که می‌گویند: روایت «نزل القرآن علی حرف واحد» یعنی نزول یکی است، پس در میان قرائات متعدده، تنها یکی از آنها است که قرآن است. بقیه آنها نیست. این معنای اول است. حرف واحد است، پس تنها یکی از آنها درست است. این اولین مطلب.

ب) انکار تواتر قرائات توسط شیخ طوسی در تبیان

امام‌طلب دوم:

شیخ الطائفه شیعه، تواتر را انکار کرده‌اند. وقتی بزرگانی از فقه اولین منکر تواتر را شیخ بدانند، دیگر تمام می‌شود! دیگر شما چطور می‌خواهید بگویید که بر تواتر اجماع داریم؟! این هم دوم. خب اگر این اشتباه باشد و شیخ چنین نگفته باشند، در فضاهای بعدی خیلی مهم است. صاحب جواهر، شیخ انصاری، مرحوم حکیم در مستمسک تا می‌خواستند اجماع را در کنند و بگویند که این اجماع بی خودی است، اول حرف هر سه بزرگوار این بود: «انکر التواتر الشیخ فی التبیان». یعنی مهمترین چیزی که این را سست می‌کند، انکار شیخ در تبیان است. حالا انکار کرده‌اند یا نکرده‌اند؟ این هم مورد دوم است.

ج) اذعان متخصصین فن قرائت به وجود شاذ در قرائات سبع

اول این شد که لازمه حرف واحد این است که تنها یک قرائت درست است، دوم این شد که شیخ الطائفه در تبیان تواتر را انکار کرده‌اند، سوم هم این است: خود اهل فن و متخصصین اعتراف کرده‌اند که در سبعه شاذ هست. در همین قرائات سبعه ای که شما می‌گویید، شاذ غیر متواتر هست. خب دیگر بالاتر از اهل فن می‌خواهید؟! عبارت البیان مرحوم آقای خوئی را خواندم؛ ایشان فرمودند: «تأمل بربك. هل تبقى قيمة لدعوى التواتر في القراءات بعد شهادة هؤلاء الاعلام كلهم بعدمه؟[1]»؛ وقتی خود ابن جزری و شهید ثانی این را بگویند، دیگر می‌خواهید چه کار کنید؟! بالاتر از این هست که ما به اهل فن مراجعه کنیم؟! خودشان می‌گویند که متواتر نیست. این سه مورد از نظر فضای علمی بسیار مهم است.

---

[1]البيان في تفسير القرآن ص۱۵۶